

بسم الله الرحمن الرحيم

99/09/30

موضوع: جلوه های مدیریت بحران حضرت زینب (سلام الله علیها) در واقعه عاشورا

برنامه حبل المتین

فهرست مطالب این برنامه:

چرا حضرت فاطمه (سلام الله علیها)، «فاطمه» است!؟

خطرناک‌ترین، وحشتناک‌ترین و ترسناک‌ترین آیه قرآن کریم!

این دعای پر مغز، هدیه به حضرت زینب کبری (سلام الله علیها)

سنگینی مصیبت کربلا بر قلب مبارک امام زمان (سلام الله علیه)

جلوه های مدیریت بحران حضرت زینب (سلام الله علیها) در واقعه عاشورا

ارتباط معنوی با حضرت زینب (سلام الله علیها) حلال مشکلات دنیوی و اخروی

تماس بینندگان برنامه

خطبه رسواکننده و ویرانگر امام مجتبی (سلام الله علیه) در مسجد مدینه!

چرا علمای اهل سنت اجازه نمی‌دهند مردم «یزید» را لعنت کنند!؟

آیا سر بر محل کوبیدن حضرت زینب (سلام الله علیها) مجوز قمه زنی است!؟

مجری:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

نسیم پرده گهواره را تکان می‌داد

برای عرض ارادت خودی نشان می‌داد

ستاره‌های درخشان خوشه پروین

کنار پنجره مبهوت کودکی شیرین

شمیم قدسی او در مدینه پیچیده

بهار آمده بلبل به غنچه خندیده

چه کودکی است که خود اَشهدین می‌گوید

و گاه خنده کنان یا حسین می‌گوید

چه کودکی است که گوید ثنای رب جلی

دو چشم او شده خیره به ذوالفقار علی

عرض سلام و ادب و احترام داریم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبهه جهانی حضرت ولی عصر».

الحمد لله امشب در شام میلاد حضرت زینب کبری این افتخار را داریم مهمان دیدگان پرفروغ شما باشیم و برنامه «حبل المتین» را تقدیم محضر مبارکتان کنیم.

به رسم برنامه «حبل المتین» این افتخار را داریم در محضر حضرت استاد آیت الله دکتر حسینی قزوینی باشیم.
سلام علیکم و رحمة الله؛

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی و دوست داشتنی خالصانه‌ترین
سلامم را تقدیم می‌کنم و موفقیت بیش از پیش برای همه عزیزان از خداوند مَنان خواهانم.

میلاد عقيله بنی هاشم حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) را هم به پیشگاه مقدس مولایمان حضرت بقیه الله
الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و همه علاقه مندان به اهل بیت عصمت و طهارت تبریک و تهنیت عرض
می‌کنم.

خدا را به آبروی این بانوی بزرگوار که اسلام مرهون تلاش‌ها و زحمات او هست، سوگند می‌دهم عیدی ما را
فرج موفور السرور مولایمان حضرت بقیه الله الأعظم قرار بدهد ان شاء الله.

چرا حضرت فاطمه (سلام الله علیها)، «فاطمه» است!؟

ما به رسم عادت همیشگی سخنان را با ذکر از حضرت صدیقه طاهره آغاز می‌کنیم، باشد تا خودمان و شبکه
و دوستان و بینندگان عزیزمان و دین و دنیا و آخرتمان را بیمه حضرت فاطمه زهرا کرده باشیم.

مرحوم «شیخ صدوق» (رضوان الله تعالی علیه) متوفای 381 هجری در کتاب «علل الشرایع» جلد اول صفحه
179 روایت مفصلی را نقل می‌کند با این مضمون که چرا به فاطمه، فاطمه می‌گویند و چرا نام فاطمه را
«فاطمه» گذاشتند.

شبهه روایتی که در گذشته اشاره شد، حضرت صدیقه طاهره در عرصات قیامت می‌آید و در آنجا می‌ایستد. بر
بالای پیشانی همه، نوشته شده است که محب فاطمه است یا مؤمن و منافق و کافر است.

بعضی از دوستان حضرت صدیقه طاهره به خاطر کثرت گناه استحقاق این را پیدا می‌کنند که باید مدتی راهی جهنم شوند. عزیزمان تلفن کرده بود و می‌گفت آیه:

(فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ)

پس هر کس به اندازه سنگینی ذره‌ای کار خیر انجام داده آن را می‌بیند. و هر کس به اندازه ذره‌ای کار بد کرده آن را می‌بیند.

سوره زلزله (99): آیات 7 و 8

منافات دارد با دستگیری عظیم حضرت زهرا در قیامت از گناهکاران. در این روایت حضرت صدیقه طاهره عرضه می‌دارد:

«إِلَهِي وَ سَيِّدِي سَمَّيْتَنِي فَاطِمَةَ وَ فَطَمْتَنِي مِنْ تَوَلَّيْتَنِي مِنَ النَّارِ»

خدایا! پروردگارا! نام مرا فاطمه نهادی و فرمودی به خاطر تو دوست دارانت و دوستداران فرزندان را از آتش جهنم رهایی می‌بخشم.

«وَ وَعَدْتُكَ الْحَقُّ وَ أَنْتَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ»

وعدۀ تو همیشه حق بوده و هیچگاه خلاف وعده خود عمل نکرده‌ای.

«فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ صَدَقْتِ يَا فَاطِمَةُ إِنِّي سَمَّيْتُكَ فَاطِمَةَ وَ فَطَمْتُ بِكَ مَنْ أَحَبَّكَ وَ تَوَلَّيْتُكَ وَ أَحَبُّ دُرِّيَّتِكَ وَ تَوَلَّاهُمْ مِنَ النَّارِ»

خداوند متعال می‌فرماید: فاطمه جان! چنین است که می‌گویی. من تو را فاطمه نام نهادم و هرکس تو را دوست بدارد یا فرزندان تو را دوست بدارد، او را از آتش جهنم رهایی می‌بخشم.

«وَعَدَى الْحَقُّ وَ أَنَا لَا أُخْلِفُ الْمِيعَادَ»

وعدۀ من راست است و من خلاف وعدۀ خود عمل نمی‌کنم.

«وَ إِنَّمَا أَمَرْتُ بِعَبْدِي هَذَا إِلَى النَّارِ لِتَشْفَعِيَ فِيهِ فَأَشْفَعُكَ وَ لِيَتَّبِعَنَّ لِمَلَائِكَتِي وَ أَنْبِيَائِي وَ رُسُلِي وَ أَهْلِ
الْمَوْقِفِ مَوْقِفُكَ مِنِّي وَ مَكَانَتِكَ عِنْدِي»

من این بندهام را به طرف جهنم فرستادم تا تو او را شفاعت کنی و فرشتگان و پیامبران من و هرکس در محشر است، مقام تو را پیش من ببینند.

«فَمَنْ قَرَأَتْ بَيْنَ عَيْنَيْهِ مُؤْمِنًا فَخُذِي بِيَدِهِ وَ ادْخِلِيهِ الْجَنَّةَ»

هرکس را که مؤمن و عاشق یافتی، دستش را بگیر و داخل بهشت نما.

علل الشرائع، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ج 1، ص 179، ح 6

دوستان عزیز امیدواریم که محبت حضرت فاطمه زهرا را در دلمان تا آخرین لحظه داشته باشیم.

خطرناک‌ترین، وحشتناک‌ترین و ترسناک‌ترین آیه قرآن کریم!

بنده می‌خواهم خطاری به دوستداران اهل بیت بدهم. در حال حاضر ما حضرت فاطمه زهرا را دوست داریم به طوری که با شنیدن نام فاطمه قلبمان خوشحال می‌شود و روحمان به پرواز درمی‌آید و با بردن نام و فضائل اهل بیت، عشق و صفا می‌کنیم.

از خداوند عالم بخواهیم تا آخر عمر محبت اهل بیت (علیهم السلام) را در دل ما نگه دارد. قرآن کریم می‌فرماید:

(ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَسَاؤُا الشُّوَايَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤُنَ)

سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را به سخریه گرفتند.

سوره روم (30): آیه 10

این آیه یکی از خطرناک‌ترین و وحشتناک‌ترین و ترسناک‌ترین آیات قرآن کریم است، به طوری که من گمان نمی‌کنم از این آیه ترسناک‌تر در قرآن کریم داشته باشیم.

(ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوَاىَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ)

گاهی اوقات انسان به قدری گناه می‌کند که همین گناه‌ها باعث می‌شود ایمان از قلب انسان بیرون برود و محبت اهل بیت در آخرین لحظه از دست انسان برود.

اگر خدای ناکرده موقع مرگ، محبت اهل بیت و ایمان از دل ما برود، یقین داشته باشیم اگر صد و بیست و چهار هزار پیغمبر هم در حق ما شفاعت کنند؛

(فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ)

لذا شفاعت شفاعت کنندگان به حال آنها سودی نمی‌بخشید.

سوره مدثر (74): آیه 48

در مقابل اگر با محبت اهل بیت و ایمان به خداوند و اعتقاد به نبی گرامی اسلام از دنیا برویم، اگر گناهان ما به اندازه کف دریاها و ریگ بیابان‌ها و سنگینی تمام کرات عالم هم باشد یقین داشته باشیم عاقبت مسیر ما بهشت است.

این دعای پر مغز، هدیه به حضرت زینب کبری (سلام الله علیها)

در عالم برزخ ما را گوشمالی می‌دهند و عذاب می‌دهند و اذیت می‌کنند، اما قطعاً شفاعت اهل بیت شامل حال ما خواهد شد. بنابراین دعای افتتاح نماز را همیشه بخوانیم. مستحب است قبل از نماز بگوییم:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَقَدَّمُهُمْ بَيْنَ يَدَيَّ صَلَاتِي وَ أَتَقَرَّبُ بِهِمْ إِلَيْكَ فَاجْعَلْنِي بِهِمْ وَجِيهاً فِي الدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ مَنْتَ عَلَيَّ بِمَعْرِفَتِهِمْ فَاحْتِمِ لِي بِطَاعَتِهِمْ وَ مَعْرِفَتِهِمْ وَ وِلَايَتِهِمْ فَإِنَّهَا السَّعَادَةُ وَ اخْتِمِ لِي بِهَا فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

الكافي (ط- الإسلامية)؛ نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، تاریخ وفات مؤلف: 329 ق، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الإسلامية، تهران، 1407 ق، چاپ: چهارم؛ ج2، ص 544، ح1، بَابُ الدُّعَاءِ قَبْلَ الصَّلَاةِ

این دعا در کتاب «کافی شریف» است. حال نمی‌دانم در «مفاتیح الجنان» نقل شده است یا خیر. بنده در فرصتی مناسب این دعا را به همراه سند آن به عزیزان نشان خواهم داد. این دعا را قبل از هر نماز حتماً بخوانید، زیرا بسیار دعای پرمغزی است. این دعا را هدیه به حضرت زینب (سلام الله علیها) خدمت بینندگان عزیز نشان خواهم داد.

مجری:

این دعا را نقداً بگیریم تا ان شاء الله بتوانیم بیشتر استفاده ببریم و عیدی امشب ما باشد.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله، دعا چنین است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَقَدَّمُهُمْ بَيْنَ يَدَيَّ صَلَاتِي وَ أَتَقَرَّبُ بِهِمْ إِلَيْكَ»

خدایا من به واسطه حضرت محمد و آل محمد به تو توسل می‌کنم و آنها را پیشاپیش نمازم قرار می‌دهم.

«فَأَجْعَلْنِي بِهِمْ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ مَنَّتْ عَلَى بِمَعْرِفَتِهِمْ فَأَخْتِم لِي بِطَاعَتِهِمْ وَ
مَعْرِفَتِهِمْ وَوَلَايَتِهِمْ»

خدایا همانطور که محبت و معرفت آنها را به من منت نهادی، آخر عمر مرا هم با طاعت و معرفت و ولایت ائمه اطهار پایان بده.

«فَأِنَّهَا السَّعَادَةُ وَ اخْتِم لِي بِهَا»

تمام سعادت در این است. خاتمه عمرم را با این قرار بده.

«فَأِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

ان شاءالله عزیزان قبل از شروع نماز این دعا را بخوانند. همچنین وارد شده است بعد از اینکه نماز خواندید، این دعا را بگویید:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مَعَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي كُلِّ عَافِيَةٍ وَ بَلَاءٍ وَ اجْعَلْنِي مَعَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي كُلِّ مَثْوًى
وَ مُنْقَلَبٍ»

خدایا مرا با محمد و آل محمد مقرر دار در هر عافیتی و در هر بلا و مرا با محمد و آل محمد مقرر دار در هر اقامت و حرکت.

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَخِيضِي مَخِيضَهُمْ وَ مَمَاتِي مَمَاتَهُمْ»

خدایا زندگی مرا زندگی آسان ساز و مردنم را مردن آسان.

«وَأَجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي الْمَوَاطِنِ كُلِّهَا»

خدایا مرا در تمام مواقع با محمد و آل محمد قرار بده.

«وَلَا تَفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

و از محمد و آل محمد جدا مدار زیرا تو بر هر چیز توانایی.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 2،

ص 544، ح 1

بنده این دعا را رو به روی محل نماز روی دیوار چسباندم تا یادم نرود و تلاش می‌کنم شیطان خواندن این دعا را از یادمان نبرد. بنده خود به خواندن این دعا ملتزم هستم و چیزی که انسان خود ملتزم به انجام آن باشد یقین دارد که تأثیرگذار هم هست.

ان شاءالله عزیزان هردو این دعا را بخوانند، زیرا هرکدام ده الی پانزده ثانیه بیشتر طول نمی‌کشد. عزیزانی که خوش حافظه هستند و می‌توانند این دعا را حفظ کنند، حفظ کردن آن خیلی زحمت ندارد.

این دعا را هم به حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) هدیه می‌کنیم. من در خدمت حضرتعالی هستم.

مجری:

خیلی ممنون، سلامت باشید. افتتاح بیان و کلام حضرتعالی راجع به حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بود و خیلی هم استفاده کردیم. شاعر می‌گوید:

در قامتش قیامت مولا ادامه داشت

زینب که بود حضرت زهرا ادامه داشت

راجع به حضرت زینب بیشتر از شما بشنویم، با توجه به اینکه امروز هم میلاد آن بانوی بزرگوار است. به همین مناسبت و همین بهانه از محضرتان استفاده کنیم.

سنگینی مصیبت کربلا بر قلب مبارک امام زمان (سلام الله علیه)

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

خدا در مکتب صبر علی پرداخت زینب را

برای کربلا با شیر زهرا ساخت زینب را

بیان لیلۃ القدری است که پنهان است قدر او

کسی غیر از حسین بن علی نشاخت زینب را

زینب اگر نبود، اثر از کربلا نبود

شیرازه‌ای برای کتاب خدا نبود

یعنی اگر همت حضرت زینب (سلام الله علیها) نبود، با کاری که بنی امیه در کربلا کردند نظیر شهادت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) و از بین بردن ذریه پیغمبر اکرم برای همیشه پرونده رسالت و نبوت و اسلام بسته می‌شد.

زینب اگر نبود، اثر از کربلا نبود

شیرازه‌ای برای کتاب خدا نبود

زینب اگر نبود علم حق به پا نبود

این خیمه‌ها و پرچم و رخت عزا نبود

یک «یا حسین» بر لب ما و شما نبود

در کار عشق گرمی بازار زینب است

واقعاً بنده خیلی به بی بی حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) علاقه دارم. ائمه اطهار (علیهم السلام) جای خود دارند، اما من بعد از آن بزرگواران به حضرت زینب (سلام الله علیها) عشق دارم.

روزی نیست که من یادی از مصائب بی بی حضرت زینب کبری نکرده باشم و قطره اشکی به خاطر مصائب حضرت زینب کبری نریخته باشم.

امیدوارم یکی از قطره‌های اشکم مورد قبول حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) باشد که موقع جان کندن و شب اول قبر و برزخ و قیامت به داد ما برسد.

بنده بارها گفتم از هیچیک از آنچه در عمرم انجام دادم، دلم خوش نیست و امیدوار نیستم و این را جدی عرض می‌کنم. انسان مطلبی را نقل می‌کند، اما خدای ناکرده انسان متوجه نیست، شاید عجب و ریایی در کار باشد.

در مقابل وقتی قطرات اشک انسان در گوشه‌ای می‌ریزد، بهترین ذخیره هست و عجب و ریایی هم در کار نیست.

اگر هم عجب و ریا در کار باشد، بنده معتقدم حضرت فاطمه زهرا و حضرت زینب کبری آنچنان این موانع را دفع می‌کنند و از بین می‌برند به طوری که نمی‌گذارند اصلاً نزدیک انسان شود.

روحیه‌ها متفاوت است؛ شخصی امیرالمؤمنین را دوست دارد و با او انس می‌گیرد. شخصی حضرت صدیقه طاهره را دوست دارد. شخصی امام حسین را دوست دارد، شخصی حضرت رقیه را دوست دارد. شخصی حضرت علی اصغر را دوست دارد.

مرحوم آیت الله کرباسی یکی از بزرگان و اعظم اصفهان، صاحب کتاب «سماء المقال فی علم الرجال» که قوی‌ترین کتاب علم رجال در تاریخ شیعه است، می‌گوید: "من هر روز صبح به حضرت علی اصغر توسل می‌کنم و یادی از آن بزرگوار می‌کنم." ایشان می‌گوید ذکر هر روز و تعقیب نماز صبح من این است:

ز ضرب تیر چنان دست و پای خود گم کرد

که خواست گریه کند جای آن تبسم کرد

بنده جمله‌ای هم به این بیت شعر مرحوم آیت الله کرباسی اضافه می‌کنم و عرضه می‌دارم: یابن الحسن ما که هزار و چهارصد سال با کربلا فاصله داریم، وقتی مصائب را می‌شنویم قلبمان به درد می‌آید و اشکمان جاری می‌شود. وقتی محرم و عاشورا می‌آید جگرمان می‌سوزد.

حضرت ولی عصر (اروحنا فداه) نزدیک به هزار و دویست سال است که با این مصائب دست در گریبان است. حضرت بقیه الله الأعظم می‌فرماید:

«فَلَا تُدْبِتْكَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً»

یا جداه! هر صبح و شام بر مصیبت شما گریه می‌کنم.

«وَ لِأَبْكِيَنَّ عَلَيْكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمَا»

و به جای اشک بر مصیبت تو خون گریه می‌کنم.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 98،

ص 238، ح 38

من نمی‌دانم بر حضرت ولی عصر صبح گاهان و شامگاهان چه می‌گذرد. ما بحث‌های علمی را کنار می‌گذاریم و ذیل شعر مرحوم آیت الله کلباسی عوامانه حرف می‌زنیم و کاری را با آنها ندارم.

من عرضه می‌دارم یابن الحسن! قاسم بن الحسن از اسب به زمین افتاد و صدا زد: «یا عماء». وقتی حضرت علی اکبر از اسب بر زمین افتاد، صدا زد: «یا أبته». حضرت قمر بنی هاشم صدا زد: «یا أخاه أدرك أخاه». در مقابل زمانی که تیر به گلوی حضرت علی اصغر (علیه السلام) خورد، زبان نداشت که پدر را صدا بزند.

ز ضرب تیر چنان دست و پای خود گم کرد

که خواست گریه کند، جای آن تبسم کرد

دردانه‌ترین پسر علی اصغر بود

آرام دل پدر علی اصغر بود

مردانه به جانبازی بابا می‌رفت

دیر آمد و چون سپر علی اصغر بود

شاید هم این عیدی حضرت زینب (سلام الله علیها) بود که قلبمان بشکند و چشمان اشک آلود شود. در روایت داریم که امام صادق فرمود: وقتی که قلبتان شکست و چشمتان اشک آلود شد، فرصت را غنیمت بشمارید که وقت اجابت دعاست. حاجت‌های کوچک نخواهید، بلکه حاجت‌های بزرگ از خداوند بخواهید. خداوند عالم بزرگ است، «فَعَالٌ مَا يَشَاءُ» است، همچنانکه قرآن کریم می‌فرماید:

(لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ)

آگاه باشید که آفرینش و تدبیر (جهان) برای او (و به فرمان او) است.

سوره اعراف (7): آیه 54

9:

(إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ)

فرمان او تنها این است که هر گاه چیزی را اراده کند به او می‌گوید: "موجود باش" آن نیز بلافاصله موجود می‌شود!

سوره یس (36): آیه 82

آسمان و زمین در ملک خداوند متعال است. انسان از شخص بزرگی به اندازه قدر آن بزرگ حاجت می‌طلبد. بنابراین با توجه به عظمت و قدرت و کرم و عفو و فضل خداوند متعال از خداوند حاجت بخواهید نه آنچه خودتان نیاز دارید. همت‌ها را خیلی بالا ببرید.

جلوه های مدیریت بحران حضرت زینب (سلام الله علیها) در واقعه عاشورا

حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) بعد از شهادت سرور آزادگان حضرت سیدالشهداء بحران شدیدی را در کربلا پشت سر گذاشت.

والله بنده معتقدم ما هرچه بخواهیم از بحرانی که بعد از شهادت امام حسین در کربلا ایجاد شد حرف بزنیم، الفاظ از بیان آن بحران عاجز است. انسان باید برود و ببیند.

بنده می‌خواهم مسئله‌ای را بگویم که تا به حال نگفتم و اولین بار است که عرض می‌کنم. شاید در بعضی افراد هم اثر بگذارد. ما خیلی از خداوند متعال می‌خواستیم حقیقت عاشورا را برای ما روشن کند تا قدری با سوز دل گریه کنیم.

گاهی اوقات ساعت خوش است و دعا به اجابت می‌رسد. قسم به حضرت سیدالشهداء که در گوشه‌ای حقیقت کربلا برای ما روشن شد، اما دیدم تاب و طاقت دیدن آن مناظر را ندارم به همین خاطر از خداوند خواستم که این توجهات را از ما بگیرد!

جز حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) و خداوند متعال کسی نمی‌داند بعد از شهادت حضرت سیدالشهدا چه بحرانی ایجاد شد. مدیریت این بحران همگی به عهده حضرت زینب (سلام الله علیها) است. تمام زحمات و تمام مشکلات بر دوش حضرت زینب است.

بنی امیه به خیمه‌ها هجوم می‌آوردند و خیمه‌ها را غارت می‌کنند. فرزندان امام حسین را کتک می‌زنند، سیلی می‌زنند، تازیانه می‌زنند و چادر را از سرشان می‌کشند و خیمه‌ها را به آتش می‌کشند. من نمی‌دانم این افراد چه جانورهایی بودند!

آتش به آشیانه مرغی نمی‌زنند

گیرم که خیمه، خیمه آل عبا نبود!

وقتی خیمه‌ها آتش می‌گیرد، زنان و کودکان همگی در داخل خیمه‌ها هستند. بیرون بردن زنان و کودکان از خیمه‌ها خیلی سخت است. کسی باید باشد تا آنها را سریع از خیمه بیرون ببرد، در حالی که حدود هشتاد و اندی زن و کودک و حدود چهل خیمه بود.

حضرت سجاد در داخل خیمه بیمار بودند و توانایی حرکت کردن نداشتند. از طرف دیگر بنی امیه بچه‌ها را می‌زدند و آنها پناهگاهی جز حضرت زینب نداشتند. نه حضرت علی اکبر بود، نه حضرت قاسم بود، نه حضرت ابوالفضل بود و نه امام حسین بود.

وقتی بچه‌ها را سیلی می‌زدند، آن‌ها عمه خود حضرت زینب را صدا می‌زدند. وقتی به بچه‌ها تازیانه می‌زدند، آن‌ها عمه خود حضرت زینب را صدا می‌زدند. وقتی معجز از سر دختران می‌کشیدند، آن‌ها به عمه خود پناه می‌بردند.

حضرت زینب کبری باید این فجایع را مدیریت می‌کرد. از طرف دیگر حضرت باید در برابر اشرار که به نام اسلام این جنایات را انجام می‌دهند، آنچنان مقتدرانه مقاومت کند تا آنها احساس نکنند که حضرت زینب کبری نستجیر بالله اظهار عجز و ذلت می‌کند.

حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) محکم می‌ایستد و می‌فرماید: هرچه می‌خواهید بکنید تا نور ما را خاموش کنید، اما امکان پذیر نیست. هر جنایتی کنید، پیروز میدان ما هستیم. هر ظمی می‌خواهید در حق بچه‌های پیغمبر اکرم کنید، اما بدانید که شکست با شماست و پیروزی با ماست!

این روحیه در حضرت زینب (سلام الله علیها) واقعاً قابل ستایش و تمجید است. حضرت زینب از حضرت فاطمه زهرا شیر خورده است و در دامن امیرالمؤمنین پرورش یافته است.

بحرانی که در لحظات اول بعد از شهادت ایجاد شده است، واقعاً یک شاهکار بزرگی بود که حضرت زینب کبری از خود نشان داد.

بحران دوم زمانی بود که شب فرا می‌رسد. در منطقه‌ای بیابانی که اطراف آن مملو از دشمن است، خیمه‌ای نیست که حضرت زینب زنان و کودکان را در داخل آن یک جا جمع کند و به آنها دلداری دهد.

جمع کردن هشتاد و اندی زن و فرزند در یک جا با وجود دشمنی که هر لحظه در حال ضربه زدن هست، واقعاً کار سختی است. مگر قلب این بچه‌های کوچک چقدر است. مگر این بچه‌ها چقدر توانایی و تحمل مصیبت دارند؟!!

حضرت زینب کبری باید این بحران را مدیریت کند، به همه آنها دلداری بدهد و به آنها بگوید: نگران نباشید، ما تمام این مصیبت‌ها را تحمل می‌کنیم.

این مشابه همان تعبیر حضرت سیدالشهداست. زمانی که «ابن عباس» از حضرت پرسید چرا زن و فرزند خود را با خود به کربلا می‌برید، حضرت فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ قَدْ شَاءَ أَنْ يَرَاهُنَّ سَبَايَا»

خداوند می‌خواهد بچه‌های پیغمبر اکرم را در حال اسارت ببیند.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 44، ص 364، ح 2

حضرت زینب به بچه‌ها دلداری می‌داد. دلداری‌های حضرت مشابه دلداری‌هایی نبود که ما به افراد مصیبت دیده می‌دهیم. مدیریت بحرانی حضرت زینب روی این محور هست که حضرت برای بچه‌ها آیه 22 از سوره مبارکه حدید را قرائت می‌کند و می‌فرماید:

(مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ)

هیچ مصیبتی در زمین و نه در وجود شما روی نمی‌دهد مگر اینکه همه آنها را قبل از آنکه زمین را بیافرینیم در لوح محفوظ ثبت است و این امر برای خداوند آسان است.

سوره حدید (57): آیه 22

حضرت زینب کبری فرمود: مصیبتی که امشب و امروز بر شما وارد شده است را خداوند قبل از آنکه شما را خلق کند در پرونده اعمال شما نوشته شده است. این خواست و مشیت الهی است.

این مصیبت‌ها را تحمل کنید، زیرا همین تحمل مصائب باعث می‌شود زحمات بیست و سه ساله پیغمبر اکرم به هدر نرود و تلاش‌های حضرت صدیقه طاهره و امیرالمؤمنین به ثمر بنشیند.

اگر این مصیبت‌ها را تحمل نکنیم، از زحمات بیست و سه ساله پیغمبر اکرم چیزی باقی نمی‌ماند. دشمن به دنبال این است که چراغ اسلام و رسالت و نبوت را خاموش کند. تحمل مصائب از سوی شما به خاطر این است که چراغ نبوت برای همیشه روشن بماند.

تصور کنید این مطالب برای فرزندان رسول الله چقدر آرام بخش و لذت بخش است. آن‌ها دیگر دردی احساس نمی‌کند. بعد از بیان این فرمایشات دیگر صفا و عشق در دل‌های فرزندان امام حسین به وجود آمده بود، همچنانکه حضرت زینب فرمودند:

«مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 45،

ص 116، ح 1

وقتی کودکان احساس می‌کنند حاصل این مصیبت‌های سنگین و غم‌های دردناک این است که اسلام برای قیام و قیامت باقی بماند و چراغ اسلام برای همیشه فروزان شود، این مصیبت‌ها برای همگان قابل تحمل است.

اگر چنین باشد خاندان آل الله می‌فرماید که بدتر از این مصیبت‌ها را هم حاضریم تحمل کنیم. در مقابل اگر یک روز چراغ رسالت خاموش شود و نامی از پیغمبر اکرم باقی نماند و زحمات پیغمبر اکرم هدر برود، برای ما قابل تحمل نیست.

ما باید به حضرت زینب کبری این چنین نگاه کنیم. این مدیریت شدید بحران در دو مرحله عصر عاشورا و شب یازدهم محرم از سوی حضرت زینب کبری صورت گرفت.

متأسفانه در کتب تاریخی اعم از شیعه و سنی یک کلمه هم پیدا نکردم که کسی در رابطه با شب یازدهم محرم حرفی زده باشد.

نه تنها بنده مطلبی در این رابطه نیافتم بلکه دیدم «مرحوم سید بن طاووس» که تمام عمرش را در این زمینه سپری کرده است، می‌نویسد: هرچه گشتم دیدم مورخین حتی یک کلمه هم در رابطه با شب یازدهم محرم ننوشته‌اند.

معلوم است آن شب، اهل بیت عصمت و طهارت سخت‌ترین لحظات عمر خود را سپری کرده‌اند. فرزندان رسول الله بدترین و عمیق‌ترین مصیبت‌ها را شب یازدهم محرم تحمل کردند.

قلب‌های فرزندان امام حسین لرزان و چشم‌هایشان گریان بود. هر لحظه یک سری اشرار به نام اسلام اطراف این فرزندان را می‌گرفت و خوف و ترس و واهمه‌ای بود که این افراد دو مرتبه به طرف خیمه‌ها حمله کنند.

انسان وقتی به این مسائل فکر می‌کند. واقعاً قلب انسان به درد می‌آید. بنده گاهی اوقات می‌گویم: خدایا تو را به آبروی زینب سوگند می‌دهم به قلب نازنین امام زمان صبر بده.

خدایا به روح پاک حضرت ولی عصر صبر بده تا این مصائب را تحمل کند. هزار و دویست و اندی سال است که حضرت این مصائب را تحمل می‌کنند

اگر هیچ مسئله‌ای نباشد و تنها بخواهیم سنخیتی با حضرت ولی عصر داشته باشیم، تنها جمله حضرت بقیه الله الأعظم را به یاد بیاوریم که می‌فرماید:

«فَلَا تُدْبِتْكَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً وَ لَا بُكَيْنٌ عَلَيْكَ بَدَلِ الدُّمُوعِ دَمًا»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 98،

ص 238، ح 38

حضرت بقیه الله می‌فرماید: اگر نبودم در کربلا شما را یاری کنم، هر صبح و شام در مصائب شما اشک می‌ریزم. اشکی که حضرت ولی عصر می‌ریزد، همانند اشکی نیست که من و شما می‌ریزیم. همانطور که وقتی عزیزان فرزند خود را از دست می‌دهند با سوز و ناله اشک می‌ریزند، حضرت ولی عصر هم همانطور اشک می‌ریزند. بحران مهم‌تری که حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) داشتند، بحران عقیدتی و معرفتی است. حضرت زینب در کربلا مقابل دشمن اظهار عجز و ذلت و خواری نمی‌کند. بنده در این زمینه حرف زیاد دارم، اما مشاهده کنید از آغاز اسارت برخورد حضرت زینب با مخالفین برخوردی کاملاً مقتدرانه است، نه ذلیلانه و عاجزانه! تصور کنید هشتاد و چهار زن و کودک اسیر باشند و کسی از آنها حمایت نکند. زبان آنها همگی بسته و عقل‌ها قفل شده بود.

یک عده از ترس و عده‌ای دیگر به خاطر مسائل دنیوی در مجلس «عبیدالله بن زیاد» جمع شدند، به طوری که از دهان او آتش می‌بارید. او با نخوت و تکبر شروع به حرف زدن می‌کند و می‌گوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَحَكُمْ وَ أَكْذَبَ أُخْدُوْتَكُمْ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 45،

ص 115، ح 1

مدیریت کردن این بحران هنر است!! حضرت زینب کبری اسیر دست دشمنی است که هر قدرتی دارد، هرآنچه بخواهد می‌تواند انجام دهد و هرچه بخواهد می‌تواند بگوید. «عبیدالله بن زیاد» چند جمله می‌گوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَحَكُمْ وَ أَكْذَبَ أُخْذُوتَكُمْ»

شکر خدای عالم که شما را مفتضح کرد و دروغ شما را ثابت کرد.

منظور او این است که شما ادعا می‌کردید مردان خدا هستید، اما خداوند دروغ شما را برملا کرد!!

مشاهده کنید جامعه اسلامی به کجا رسیده است. مرگ بر آن مسلمان‌ها و مرگ بر افرادی که در آن مجلس بودند و جمله‌ای به زبان نیاوردند.

هزاران لعنت بر آنان باد. میلیاردها لعنت بر «عبیدالله بن زیاد» و کسی که او را نصب کرده و کسی که زمینه ساز حکومت «عبیدالله بن زیاد» را فراهم کرده است.

دقت داشته باشید در زیارت عاشورا وقتی می‌خواهیم بر قاتلان حضرت لعنت کنیم، به «شمر بن ذی الجوشن» یک مرتبه لعن می‌کنیم:

«فَلَعَنَ اللَّهُ آلَ زِيَادٍ وَ آلَ مَرْوَانَ وَ لَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً وَ لَعَنَ اللَّهُ ابْنَ مَرْجَانَةَ وَ لَعَنَ اللَّهُ عُمَرَ بْنَ

سَعْدٍ وَ لَعَنَ اللَّهُ شِمْرًا»

همچنین می‌گوییم:

«وَالْعَنَ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ وَ ابْنَ مَرْجَانَةَ»

فرازی از زیارت عاشورا

طبق این فراز از زیارت عاشورا «عبیدالله» فرزند «ابن زیاد» و «مرجانه فاحشه» است! دقت داشته باشید «ابن مرجانه» با این سه عبارت تلاش می‌کند اهل بیت عصمت و طهارت را تحقیر کند.

حضرت زینب در اینجا چکار کند؟! آیا درست است که در اینجا سرش را پایین بیندازد، گریه و التماس کند؟!

شما را به خدا سوگند می‌دهم تاریخ را نگاه کنید. «تاریخ ابن اثیر»، «تاریخ طبری»، «مرحوم شیخ مفید»، «ابن شهر آشوب» و دیگران همگی این قضیه را نقل کرده‌اند. حضرت زینب کبری همانند شیر می‌گرد و می‌فرماید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِنَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ ص»

سپاس و منت خدای را که خاندان ما را گرامی گردانید به رسالت پیامبر.

اولین جمله حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) این است که خود را متصل به پیغمبر اکرم می‌داند و می‌فرماید که هرچه داریم از پیغمبر اکرم است.

«و طَهَّرْنَا مِنَ الرَّجْسِ تَطْهِيرًا»

و در حق ما آیه تطهیر را نازل کرده است.

«وَأِنَّمَا يَفْتَضِحُ الْفَاسِقُ وَ يَكْذِبُ الْفَاجِرُ وَ هُوَ غَيْرُنَا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ»

و غیر ما را به فسق رسوا کرد و جز از ما را به فجور آشکارا نمود.

الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد؛ نویسنده: مفید، محمد بن محمد، تاریخ وفات مؤلف: 413 ق، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ناشر: کنگره شیخ مفید، قم، 1413 ق، نوبت چاپ:

اول؛ ج2، ص 115

حضرت زینب به صراحت می‌فرماید: کسی که مفتضح هست شما فاسقان هستید، کسی که دروغ می‌گوید شما فاجران هستید!! من از عزیزان تقاضا دارم تاریخ را مطالعه کنند. این کلمه «هو غیرنا» خیلی معنا و مفهوم و پیام دارد.

«مرحوم شیخ مفید» متوفای 435 هجری در کتاب «الإرشاد» جلد دوم صفحه 115 این قضیه را نقل کرده است. «ابن نمای حلی» متوفای 456 هجری در کتاب «مثیر الأحزان» صفحه 90 این قضیه را نقل کرده است. از میان علمای اهل سنت هم «ابن کثیر دمشقی» در کتاب «الکامل» جلد اول صفحه 82 و «ابن کثیر دمشقی» در کتاب «البدایة و النهایة» جلد 8 صفحه 210 این قضیه را نقل کردند، اما کلمه «هو غیرنا» را حذف کرده‌اند. خیانت این افراد خیلی برایم دردآور است.

علمای اهل سنت عبارت «انما یفتضح الفاسق و یکذب الفاجر هو غیرنا» که اشاره به «عبیدالله بن زیاد» و «یزید» و «معاویه» هست را از کتاب‌هایشان حذف کرده‌اند. من نمی‌دانم این افراد فردای قیامت چه جوابی دارند.

بنابراین یکی از بحران‌های حضرت زینب کبری «بحران عقیدتی و معرفتی» است که در هر کجا از رسول گرامی اسلام و امیرالمؤمنین و آیه تطهیر سخن می‌گوید. بحران دیگر «بحران تخریبی و تحقیری دشمن» است و بحران سوم، «بحران روحی و تربیتی کودکان» است.

حضرت زینب (سلام الله علیها) از لحظه شهادت حضرت سیدالشهدا تا آخرین روز شهادت یا رحلتش تمام این بحران‌ها را مدیریت کردند.

متأسفانه ما در رابطه با حضرت زینب خیلی کوتاه آمدیم. ما به دنبال دهه سازی نیستیم، اما یکی از کارهایی که ما باید در ایام عاشورا و ماه صفر انجام دهیم، این است که یک هفته یا ده روز در رابطه با حضرت زینب (سلام الله علیها) صحبت کنیم.

ما باید در رابطه با ابعاد وجودی این بزرگوار و تأثیرگذاری که حضرت زینب کبری در معرفی جدید اسلام و احیای جدید اسلام و احیای شعارهای برادر بزرگوارش صحبت کنیم که فرمودند:

«أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يَعْمَلُ بِهِ وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يَنْتَهَى عَنْهُ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 75،

ص 116، ح 2

حضرت زینب کبری در طول این مدت به این فرمایشات عینیت و تحقق بخشید. حضرت زینب کبری دم از اسلام می‌زد و جمله برادر بزرگوارش که فرمود:

«يَا شَيْعَةَ آلِ أَبِي سُفْيَانَ إِن لَّمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ فَكُونُوا أَخْرَاراً فِي دُنْيَاكُمْ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 45،

ص 51، ح 2

امام حسین (علیه السلام) در ماجرای یزید او را با واژه «أَنْتُمْ الطُّلُقَاءُ» مورد خطاب قرار می‌دهند و می‌فرمایند: تو و پدرت در روز فتح مکه به خاطر جنایات بیست و یک ساله مستحق قتل و به درک واصل شدن بودید. پیغمبر اکرم بر شما منت گذاشت و شما را به درک واصل نکرد. حال امروز به قتل برادرم افتخار می‌کنی!

زن و فرزندان شما درون حرمسرا هستند، حال اهل و عیال پیغمبر اکرم را این چنین بی چادر و بی معجر جلوی چشم دوست و دشمن و آشنا و بیگانه نگه داشته‌اید؟!

این قدرت، قدرت طبیعی نیست. این مدیریت، مدیریت عادی نیست که حضرت زینب کبری این چنین در برابر یزید به کار می‌برد. یزید که از دهانش آتش می‌بارد و هر جنایتی را مرتکب شده و بناست این جنایت‌ها را ادامه بدهد!

حضرت زینب کبری به صراحت نسبت به یزید عبارت «**أنتم الطلقاء**» را به کار می‌برد، آن هم در مجلسی که همه مسلمانان و علمای یهود و مسیحی و زرتشتی و بزرگان نشسته‌اند.

حضرت در آن مجلس این چنین او را تحقیر و ذلیل و بیچاره می‌کند، به طوری که او اصلاً نمی‌تواند در برابر حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) حرف بزند.

یابن الحسن! امیدواریم لحظه لحظه‌ای که درباره عمه جانتان حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) سخن گفتیم را از ما بپذیرید.

یکی از دوستان امروز صبح در اینستاگرام پستی برای بنده ارسال کرده بود و می‌گفت که ما می‌خواهیم این پست را پخش کنیم.

یکی از مراجع عظام تقلید می‌فرمود: اگر می‌خواهید از حضرت ولی عصر حاجت بگیرید او را به عمه جانشان حضرت زینب کبری سوگند بدهید، زیرا حضرت ولی عصر عمه جان خود حضرت زینب را خیلی دوست دارد. قطعاً همین مطالبی که ما گفتیم و بینندگان عزیز ما شنیدند، قطعاً احساس می‌کنند که چقدر عشق و محبت حضرت زینب در دلشان بیشتر شده است.

ارتباط معنوی با حضرت زینب (سلام الله علیها) حلال مشکلات دنیوی و اخروی

در پایان درود و صلوات می‌فرستیم بر تمام مدافعین حرم حضرت زینب که با جانبازی‌های خودشان نگذاشتند حرم حضرت زینب توسط بنی امیه زمان و آل یهود و آل سعود کتیف و پلید نابود شود.

بنده یک مرتبه در جلسه‌ای در حضور «شهید سلیمانی» و دیگر فرماندهان سپاه مطلبی عرض کردم. هرکدام از حاضرین خاطره‌ای را نقل می‌کردند تا اینکه نوبت به یکی از عزیزان که به تازگی به سوریه آمده بود، رسید.

وقتی از ایشان پرسیدند چه تجربه و خاطره خوبی از جنگ سوریه دارید، گفت: من به تازگی به سوریه آمده‌ام و خاطره‌ای ندارم، اما دیشب یا پریشب خواب دیدم وارد حرم حضرت زینب شدم در حالی که همه شما هم آنجا بودید.

ایشان «شهید حاج قاسم سلیمانی» و دیگران را مورد خطاب قرار داد و گفت: حضرت زینب کبری از تک تک شما تشکر کردند و سپس شروع به گریه کردند در حالی که اشک از چشمانشان جاری شد.

من جلو رفتم و پرسیدم: بی بی جان! چرا گریه می‌کنید؟! شما از یک طرف از همه تشکر می‌کنید و از طرف دیگر گریه می‌کنید.

حضرت زینب کبری فرمود: شما در کربلا کجا بودید؟! چرا آن روز نبودید تا از ما حمایت کنید؟! ای کاش شما در کربلا بودید و می‌دانستید که با ما چه کردند.

امیدواریم حضرت زینب کبری از ما راضی باشد. خدا را به قلب شکسته حضرت زینب کبری سوگند می‌دهیم ما را از یاران حضرت ولی عصر در گرفتن انتقام خون پاک شهیدان و مظلومان به ویژه خون قلب حضرت زینب در جوار حضرت ولی عصر ما را موفق بدارد.

بنده قصد نداشتم اینقدر صحبت کنم و تصمیم داشتم در حد چند دقیقه صحبت کنم، اما بحث به طول انجامید. زمانی که نام حضرت زینب می‌آید، بنده نمی‌توانم خود را کنترل کنم.

مجری:

خیلی زیبا فرمودید، ما سراپا گوش بودیم. الحمدلله خیلی زیبا و جامع فرمودید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بنده شاید از هر ده موردی که به ذهنم می‌آمد، نه مورد را رد می‌کردم و یک مورد را بیان می‌کردم.

دوستان عزیز! تلاش کنید بعد از نماز صبح سرتان را پایین بیندازید و در رابطه با مصائب حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) اشک بریزید. اگر اشک نمی‌ریزید، چشمانتان را اشک آلود کنید. اگر این کار را هم نمی‌توانید انجام دهید، حالت تباهی به خود بگیرید.

حداقل دو شعر یا روایت در رابطه با حضرت زینب بخوانید. اگر با حضرت زینب ارتباط بگیرید، قسم به روح پاک حضرت زینب که هم مشکل دنیایی‌تان حل می‌شود و هم مشکل آخرتی‌تان حل می‌شود.

حضرت زینب کبری نزد خداوند متعال، رسول گرامی اسلام، حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)، حضرت فاطمه زهرا، امام حسن، امام حسین و حضرت ولی عصر خیلی آبرو دارد.

تلاش کنید ارتباطتان را با حضرت زینب برقرار کنید و تا آخر عمر هم این ارتباط را داشته باشید. این که بخواهید این ارتباط را چند روز حفظ کنید، فایده‌ای ندارد. بهترین اعمال، عملی است که دائمی باشد ولو کوچک هم باشد. ما در خدمت دوستان هستیم.

مجری:

سلامت باشید، بهره مند شدیم. الحمدلله بتوانیم ما هم در روشن نگهداشتن چراغی که حضرت فاطمه زهرا آن را روشن نگهداشت و وعده الهی هم هست که تا ابد این چراغ روشن خواهد ماند، زیرا؛

(وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ)

ولی خدا نور خود را کامل می‌کند.

سوره صف (61): آیه 8

ان شاءالله ما هم بتوانیم خود را در پر فروغ نگه داشته شدن این چراغ و این راه هدایت سهیم کنیم.

حتی فلک به چشم خواب، خیالش ندیده است

امشب خدا دوباره حسین آفریده است

زینب اگر نبود کتاب خدا نبود

یک یا حسین بر لب ما و شما نبود

بیخود که نیست عاشق و مجنون زینبیم

این «یا حسین» را همه مدیون زینبیم

تو آمدی که صبر شوی مجتبی شوی

تو آمدی حسین شوی کربلا شوی

تو آمدی به آل کساء هم کساء شوی

هم ما رأیت سمت جمیلا رها شوی

تو آمدی که کعبه دل کربلا شود

در سینه‌ها حسینیه غم رها شود

السلام علیک یا زینب!

عرض سلام مجدد داریم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر».

تماس بینندگان برنامه:

زمان، زمانی است که باید به صحبت‌های شما گوش بدهیم و صدای شما را داخل استودیو بشنویم. ان شاءالله

که بتوانیم پاسخگوی سؤالات همه شما عزیزان باشیم و فرصت شود تا همه شما دوستان را متصل کنیم.

آقا حمیدرضا از گلپایگان پشت خط هستند. آقا حمیدرضا در خدمت شما هستیم، بفرمایید:

بیننده (آقا حمید رضا از گلپایگان - شیعه):

عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت شما مجری عزیز و حاج آقا قزوینی و بزرگوار.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله.

بیننده:

می‌لاد حضرت زینب را خدمت تمامی عزیزان تبریک عرض می‌کنم. بنده مثل همیشه سؤال کوتاهی داشتم. پیشاپیش از اینکه وقت برنامه را می‌گیرم، معذرت خواهی می‌کنم.

مجری:

سلامت باشید، در خدمت شما هستیم.

بیننده:

در بعضی از گروه‌هایی که در فضای مجازی هستند، مشاهده می‌کنیم که ادعا دارند امام حسن با معاویه بیعت کرد. آن‌ها برای حرف خود حدیثی می‌آورند با این مضمون که امام حسن می‌فرماید پدران من با خلفا بیعت کردند حتی اگر ظالم هم بودند.

بنده می‌خواهم ببینم که جریان این حدیث چیست و اصلاً این بیعتی که می‌گویند به چه صورت بوده است. اصلاً حدیث درست هست یا خیر؟! لطف می‌کنید، خیلی ممنونم.

مجری:

سلامت باشید، خیلی از تماستان تشکر می‌کنیم. ان شاءالله پاسخ حضرت استاد را خواهیم شنید. آقای بهادری از کرج پشت خط هستند. آقای بهادری بفرمایید:

بیننده (آقای بهادری از کرج - شیعه):

بسم الله الرحمن الرحيم. سلام عرض می‌کنم خدمت حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی و جناب آقای مرعشی.

مجری:

علیکم السلام و رحمة الله.

بیننده:

بنده هم این روز بسیار عزیز که گذشت، ولادت باسعادت بزرگ بانوی انقلاب کربلا حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) را پیشگاه مقدس حضرت صاحب الزمان و شیعیان عرض تبریک و تهنیت دارم.

چه کنیم که تاریخ لکه ننگی را بر جریده اعمال خودش گذاشته که اصلاً پاک شدنی نیست.

از آقای «غزالی» پرسیدند: آیا می‌توان یزید را لعن کرد؟! او گفت: خیر؛ کسی که یزید را لعنت بفرستد فاسق است. او گفت: مسلمان را نمی‌توان لعن کرد. یزید مسلمان بوده و با عنوان مسلم حرمت او از کعبه بالاتر است.

این گفته «امام غزالی» است که در مورد یزید فاسق گفته است. شراب خواری و زنا با محارم و سگ بازی و میمون بازی و قتل فرزند پیامبر اشکال ندارد، فسق هم به وجود نمی‌آورد و موجب لعن هم نمی‌شود.

سؤال اینجاست که این چه دینی است که با این همه جنایت و خیانت به مسلمین فسق نمی‌آورد؟! اسلام یزید صحیح بوده است، اما تنها اشتباهی که داشته این بود که امام حسین را کشته است.

سوء ظن به مسلم حرام است. آیا انسان عاقل از این گفتار آقای «غزالی» تعجب نمی‌کند؟! این همه جنایت و فسق انجام داده، اما کافر نشده است. ایشان معتقد است که یزید مستحق این است که بگوییم خداوند او را رحمت کند.

ما هم می‌گوییم خدایا تا روز قیامت کسی که باعث شد یزید دست به جنایت بزند را به همراه اجدادش لعنت کند. این طرز فکر یک عالم روشنفکر اسلام است.

عرض اتوبان اسلام را در نظر بگیرید. هم علی بن ابی طالب مسلمان است، «ابوذر» مسلمان است، معاویه مسلمان است، یزید مسلمان است، «حجاج بن یوسف» مسلمان است!!!

افرادی نظیر «حجاج بن یوسف» همه طور خیانتی می‌کنند، اما از مسیر اسلام خارج نمی‌شوند. بهتر است برای اتوبان اسلام یک نرده بگذارید تا ببینیم خط قرمز آن کجاست.

یکی از علمای اهل سنت در کتاب «سیره حلبیه» جلد اول صفحه 210 می‌گوید: اصلاً مسلمان بودن یزید برای من جای سؤال دارد. آیا یزید مسلمان بوده است یا خیر؟! ایمان او برای من ثابت نشده است. خداوند او را با یاران و انصارش لعنت کند.

نتیجه این است که قدر خاندان پیامبر از رحمت الهی خارج نمی‌شود. این افکار آقایان است. بازهم در کتاب «سیره حلبیه» جلد اول صفحه 211 می‌گوید: حاصل لشکر یزید قتل مسلمین و فساد بزرگ در مدینه بود.

سه روز مدینه را با خاک و خون یکسان کردند. سه روز زن و دختر و عروس را برای سپاهیان حلال کردند.

آن‌ها باعث قتل صحابه و تابعین شدند و در مدینه سبید و شصت تن از انصار و قریش را کشتند. لشکریان یزید همچنین حدود هفتصد تن از قاریان قرآن کریم را کشتند. این جنایات غیر از جنایات کربلاست.

این اتفاقات در مدینه رخ داد. حکومت یزید سه سال طول کشید. او در طول این سه سال حکومت خود هزار و هفتصد تن از مهاجرین و انصار را کشتند.

آن‌ها ادعا می‌کنند که ببینید دینی به نام اسلام آمده است. عده‌ای از افراد نزد خداوند از نظر آقایان مقربین هستند در حالی که امام معصوم را به قتل می‌رسانند، اما از اسلام خارج نشدند.

در مقابل عده‌ای هم نه امام کشتند بلکه مؤمن به امام و پیامبر و ولی او هستند و صحابه را هم نکشتند. آن‌ها تنها انتقاد کردند. حال سؤال اینجاست که چرا این افراد مستوجب قتل هستند؟!

دین برای این آمده بود که جلوی قتل و خونریزی انسان‌ها را بگیرد. سؤالی که من دارم این است که این افراد بیشتر در خطر کفر هستند یا شیعه؟!

حضرت استاد ما هر روز گریه می‌کنیم وقتی به یاد می‌آوریم حضرت فاطمه زهرا با علی بن ابی طالب شب‌ها در خانه تک تک صحابه می‌آمدند و تقاضا می‌کردند که بیایید علی را یاری کنید. آقایان قول می‌دادند که ما فردا می‌آییم، اما نمی‌آمدند.

نفرین حضرت فاطمه زهرا باعث شد که بعد از پنجاه و اندی سال لشکر یزید با صحابه این کار را مرتکب شود. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

مجری:

احسنتم، احسنتم، طیب الله أنفاسکم. دست شما درد نکند. خیلی ممنون. بسیار با مناسبت و مثل همیشه با صلابت بیان فرمودید و بسیار مطالب مهم و شیوا و شیرینی بود که به آنها اشاره شد.

حاج آقا به خاطر اینکه مثل شب‌های پیش بعضی وقت‌ها ممکن است نرسیم به سؤال بعضی از دوستان پاسخگو باشیم، همین الآن به سراغ سؤال آقا حمیدرضا برویم که راجع بیعت با معاویه و احادیثی که در این زمینه هست پرسیدند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ان شاءالله ما در بحث خودمان یکی از بخش‌هایی که ان شاءالله خواهیم داشت، در رابطه با امام حسن (علیه السلام) است. ما مفصل بحث خواهیم کرد که نسبت به صلح امام حسن مجتبی چه مطالبی مطرح شده است.

خطبه رسواکننده و ویرانگر امام مجتبی (سلام الله علیه) در مسجد مدینه!

در کتاب «أمالی» صفحه 561 نقل شده است که معاویه بعد از صلح به مدینه آمد، مردم را جمع کرد، بالای منبر رفت و بر پله بالای منبر نشست.

«وَأَمَرَ الْحَسَنَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَنْ يَقُومَ أَسْفَلَ مِنْهُ بِدَرَجَةٍ»

و به امام حسن دستور داد تا در پله پایین‌تر از او بنشیند.

«ثُمَّ تَكَلَّمَ مُعَاوِيَةُ، فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ، هَذَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَابْنُ فَاطِمَةَ»

سپس معاویه لب به سخن گشود و گفت: ای مردم! این حسن بن علی و پسر فاطمه است.

«رَأَانَا لِلْخِلَافَةِ أَهْلًا، وَ لَمْ يَرِ نَفْسَهُ لَهَا أَهْلًا، وَ قَدْ أَتَانَا لِيَبَايَعِ طَوْعًا»

ما را شایسته خلافت دید و خود را اهل خلافت ندانست. حضرت آمده با میل خودش با ما بیعت کند.

یادتان باشد ما در جلسه آینده مفصل در خصوص این خطبه صحبت خواهیم کرد.

«تُمْ قَالَ: فُمْ يَا حَسَنُ»

سپس گفت: یا حسن بلند شو.

«فَقَامَ الْحَسَنُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَخَطَبَ»

امام حسن (علیه السلام) بلند شدند و خطبه خواندند.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُسْتَحْمِدِ بِالْآلَاءِ، وَ تَتَابِعِ النُّعْمَاءِ، وَ صَارِفِ الشَّدَائِدِ وَ الْبَلَاءِ، عِنْدَ الْفُهْمَاءِ وَ غَيْرِ الْفُهْمَاءِ،
الْمُدْعِينَ مِنْ عِبَادِهِ لِامْتِنَاعِهِ بِجَلَالِهِ وَ كِبْرِيَائِهِ، وَ عُلُوِّهِ عَنِ لُحُوقِ الْأَوْهَامِ بِبِقَائِهِ، الْمُرْتَفِعِ عَنِ كُنْهِ ظَنَانَةِ
الْمَخْلُوقِينَ، مِنْ أَنْ تُحِيطَ بِمَكْنُونِ غَيْبِهِ رَوِيَاتُ عُقُولِ الرِّاءِينِ»

امام حسن مجتبی در ادامه فرمودند:

«أَنْ بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) لِلنُّبُوءَةِ، وَ اخْتَارَهُ لِلرِّسَالَةِ»

امام حسن مجتبی ماجرای جد بزرگوارشان را مطرح کردند، تمام فضائل امیرالمؤمنین را مطرح کردند، ادله خلافت علی بن ابی طالب را مطرح کرد، حدیث سوره براءت که امیرالمؤمنین آن را از ابوبکر گرفتند مطرح کردند. و احادیثی نظیر:

«أَمَّا أَنْتَ يَا عَلِيُّ فَمِنِّي وَ أَنَا مِنْكَ، وَ أَنْتَ وَ لِي كُلُّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي»

را بیان فرمودند. امام حسن در ادامه آیه تطهیر را مطرح کردند و در فرمایشات پایانی خود مطالبی بیان کردند.
امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرمودند:

«وَ إِنَّ مَعَاوِيَةَ بْنَ صَخْرٍ زَعَمَ أَنِّي رَأَيْتُهُ لِلْخِلَافَةِ أَهْلًا وَ لَمْ أَرَ نَفْسِي لَهَا أَهْلًا»

و معاویه بن صخر می‌پندارد که من او را شایسته خلافت دانسته و خود را سزاوار آن نمی‌دانم.

«فَكَذَّبَ مُعَاوِيَةُ»

معاویه دروغ می‌گوید.

«وَ أَيْمُ اللَّهِ لَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَ عَلَى لِسَانِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)»

سوگند به خدا که ما در کتاب خدا و زبان پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نسبت به مردم از خود آنان سزاوارتریم.

آیا امام حسن مجتبی از این بهتر و کامل‌تر و روشن‌تر بیان کنند؟! من نمی‌دانم قضیه چیست. جالب اینجاست که امام حسن مجتبی در آخر خطبه می‌فرماید:

«وَ لَوْ وَجَدَ عَلَيْهِمْ أَعْوَانًا مَا أَجَابَهُمْ، وَ قَدْ جُعِلَ فِي سَعَةِ كَمَا جُعِلَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) فِي سَعَةِ»

اگر پدرم یارانی داشت دست از جنگ نمی‌کشید و خداوند او را در گشایشی قرار داد همچنانکه پیامبر در گشایش بود.

«وَ قَدْ خَدَلْتَنِي الْأُمَّةُ وَ بَايَعْتِكَ يَا ابْنَ حَرْبٍ، وَ لَوْ وَجَدْتُ عَلَيْكَ أَعْوَانًا يَخْلُصُونَ مَا بَايَعْتُكَ»

و مردم مرا خوار کردند و در این حال ای پسر حرب! با تو بیعت کردم و اگر یارانی داشتی که مرا از تو رهایی می‌دادند با تو بیعت نمی‌کردم.

در آخر روایت آمده است که معاویه می‌گوید:

«وَ اللَّهُ مَا نَزَلَ الْحَسَنُ حَتَّى أَظْلَمْتُ عَلَى الْأَرْضِ وَ هَمَمْتُ أَنْ أَبْطِشَ بِهِ»

به خدا سوگند خطبه امام حسن باعث شد که کره زمین برایم تیره و تار شود و دوست داشتم زمین شکافته شود و من در درون آن قرار گیرم.

«تُمْ عَلِمْتُ أَنَّ الْإِغْضَاءَ أَقْرَبُ إِلَى الْعَافِيَةِ»

دیدم اگر خودکشی نکنم و خود را در زمین فرو نبرم، به صلاح است.

الأمالی (للطوسی)؛ نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن؛ تاریخ وفات مؤلف: 460 ق، محقق / مصحح:

ندارد، ناشر: دار الثقافة، قم، 1414 ق، چاپ: اول، ص 561 - 567، ح 1174

دقت داشته باشید این عبارت معاویه است! آیا این بیعت است؟! همچنین زمانی که امیرالمؤمنین را به مسجد آورده بودند تا بیعت کند، امیرالمؤمنین دست خود را بسته بود در این حال ابوبکر دست خود را روی دست علی بن ابی طالب کشید. آیا این بیعت است؟! اگر چنین است که امام حسن هم بیعت کردند، امام حسین هم بیعت کردند!!

مجری:

به هر مناسبتی شروع به بیعت گرفتن می‌کنند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

شما به کتاب «اثبات الوصیة» اثر «مسعودی» جلد اول صفحه 64 مراجعه کنید. ما این مطالب را مفصل می‌خوانیم. این عبارت همچنین در کتاب «مروج الذهب» هست.

مجری:

خیلی ممنون و متشکریم. همچنین از آقا حمیدرضا تشکر می‌کنیم که این سؤال را مطرح کرده بودند.

چرا علمای اهل سنت اجازه نمی‌دهند مردم «یزید» را لعنت کنند!؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اجازه بدهید بنده ذیل فرمایشات آقای بهادری عباراتی را از آقای «تفتازانی» بیاورم، مبنی بر اینکه چرا اجازه نمی‌دهند یزید را لعنت کنند. در کتاب «شرح مقاصد» اثر «تفتازانی» متوفای 793 هجری جلد دوم صفحه 307 آمده است:

«فإن قيل فمن علماء المذهب من لم يجوز اللعن علی یزید مع علمهم بأنه يستحق ما یربوا علی ذلک ویزید»

بعضی از علمای مذهب جایز نمی‌دانند به یزید لعنت کنیم، با اینکه می‌دانند یزید بالاتر از لعنت را مستحق است.

نظر «تفتازانی» این است که اگر بالاتر و زیادتر از لعنت هم در عالم چیزی بود، یزید مستحق آن است.

«قلنا تحاميا عن أن یرتقی إلى الأعلى فالأعلى»

آن‌ها می‌ترسند که این لعنت همینطور بالا و بالاتر برود.

شرح المقاصد فی علم الکلام، اسم المؤلف: سعد الدین مسعود بن عمر بن عبد الله التفتازانی، دار النشر: دار المعارف النعمانية - باکستان - 1401 هـ - 1981 م، الطبعة: الأولى، ج 2، ص 307، باب السادس قوله الخلافة من بعدی ثلاثون سنة

مجری:

در این صورت اگر بخواهند هرکسی که جرمی مرتکب شده است را لعنت کنند، یزید را لعنت می‌کنند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خیر، بلکه ریشه یابی می‌کنند و می‌گویند که یزید چنین جنایتی مرتکب شده است. یزید را چه کسی سرکار آورده است؟! معاویه. معاویه را چه کسی سرکار آورد؟!!!

«فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَشَّسَتْ أَسَاسَ الظُّنْمِ وَ الْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ»

فرازی از زیارت عاشورا

«تفتازانی» بر این عقیده است که اگر ما بخواهیم لعن یزید را جایز بدانیم، بسیاری از کسانی که زمینه ساز آمدن یزید روی کار بودند هم باید لعن شوند. بنابراین ما می‌گوییم که لعن یزید جایز نیست و حرام است!!

مجری:

از همان اول از این قضیه جلوگیری می‌کنند تا بیش از این پیش نرود.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

البته همین حرف را «ابوبکر ابن عربی ناصبی» در کتاب «العواصم من القواصم» مطرح کرده است.

بعضی دیگر از آقایان هم بر این عقیده هستند که ما نباید لعن کنیم، زیرا می‌ترسیم که اگر لعن کردیم، لعن ما به بالا بالاها برسد و کار به جاهای باریک کشیده شود. قرآن می‌فرماید:

(أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ)

لعنت خدا بر ظالمان باد!

سوره هود (11): آیه 18

مجری:

بسیار خوب. آقای احمدی از قم پشت خط هستند. آقای احمدی در خدمت شما هستیم:

بیننده (آقای احمدی از قم - شیعه):

سلام خدمت استاد محترم و مجری محترم. اولاً ولادت باسعادت قهرمان کربلا، پرچمدار کربلا و پیام رسان کربلا حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) را خدمت همه شیعیان و استاد محترم و مجری محترم و بینندگان تبریک عرض می‌کنم.

دو سؤال دارم. سؤال اول این است که بعضی افراد برای استناد کردن به قمه زنی، سند آن را به حضرت زینب ختم می‌کنند و می‌گویند: حضرت زینب در مسیر شام سر خود را به چوبه مهمل زد و خون آمد. بنابراین قمه زدن جایز است.

بنده می‌خواستم استاد سند این قضیه را بررسی کنند تا ببینیم چطور است و این کتاب درست هست یا خیر.

سؤال دوم این است که بعضی افراد می‌گویند که حضرت زینب (سلام الله علیها) در غارت خیام حتی چادر و روسری هم نداشتند. این قضیه برای من خیلی سنگین است و فکر نکنم ناموس الهی در آنجا معجز نداشته باشد.

درست است شاید حضرت معجز کافی نداشته باشند، اما فکر نمی‌کنم به طور کلی معجز را از سر حضرت زینب برده باشند. بنده می‌خواستم استاد صحت این قضیه را هم بررسی کنند.

سؤال سوم اینکه بنده حقیر عظمت حضرت زینب (سلام الله علیها) را در اربعین احساس کردم. واقعاً کاری که در این سال‌های اخیر برای زیارت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) صورت می‌گیرد، جلوه‌ای از هنرنمایی و گوشه‌ای از معجزات حضرت زینب کبری است.

امیدوارم ان شاء الله همه ما هم در این دنیا و هم در جهان آخرت از شفاعت حضرت بهره مند باشیم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

مجری:

الهی آمین، علیکم السلام و رحمة الله. طیب الله، دست شما درد نکند. ان شاءالله پاسخگو خواهیم بود. آقای سلطانی از کرج پشت خط هستند. آقای سلطانی در خدمت شما هستیم، بفرمایید:

بیننده (آقای سلطانی از کرج - شیعه):

سلام علیکم برادر.

مجری:

علیکم السلام و رحمة الله.

بیننده:

خدمت شما عرض ادب و احترام دارم. همچنین خدمت افتخارمان، مالک اشتر زمان حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی عزیز. امیدوارم همیشه خوب و خوش و سلامت باشید. ایام ولادت حضرت زینب (سلام الله علیها) را خدمت شما تبریک و تهنیت عرض می‌کنم.

مجری:

آقای سلطانی الحمدلله این توفیق را داریم که اینطور شبها صدای شما را بشنویم و ان شاءالله که بتوانیم بهره مند هم شویم.

بیننده:

قربان شما بروم. زیاد وقت شما را نمی‌گیرم، تنها یکی دو بیت خدمت شما تقدیم خواهم کرد.

مجری:

همه مؤمنان و شیعیان شاد می‌شوند. عذرخواهی می‌کنم به دلیل اینکه تماس‌ها زیاد هستند و باید آنها را هم پاسخ بدهیم، مختصراً بفرمایید.

بیننده:

یکی دو دقیقه بیشتر وقت شما را نمی‌گیرم. بالاخره شما خودتان هم باید ترکی یاد بگیرید. ما از آیت الله دکتر حسینی قزوینی یاد گرفتیم که یکی از دو ملک نکیر و منکر ترک هستند!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بنده در یکی از جلسات قضیه‌ای را برای آقایان گفتم. در ترکیه یکی از مفتیان عربستان سعودی در یکی از مساجد بزرگ استانبول منبر رفته بود. او به والله قسم خورده بود که هرکسی ترک نباشد، وارد بهشت نخواهد شد.

یکی از بزرگان نقل می‌کرد که من دیدم شخصی گوشه مسجد نشسته است و دارد گریه می‌کند و بر سر و صورت خود می‌زند. من رفتم و به او گفتم: مگر تو ترک نیستی؟!

او گفت: من دلم به حال پیغمبر اکرم می‌سوزد، زیرا که حضرت ترک نبود و بهشت نخواهد رفت!!

این قضیه در شب میلاد حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) ادخال السروری باشد. شما هم می‌فرمایید یکی از نکیر و منکرها ترک هستند.

مجری:

این هم مقدمه شروع بیان شماسه. در روضه خواندن قبل از آن قدری مقدمه چینی می‌کنند. الحمدلله الآن هم که شب میلاد هست، این مقدمه چینی انجام شد. بفرمایید:

بیننده:

ما امشب باید از حاج آقا قزوینی یک عیدی هم بگیریم. بالاخره شب ولادت عمه جانشان هست.

امشب خدا به کوثر خود داد کوثری

در بر گرفته فاطمه زهرای دیگری

یا اینکه در لباس سلامت پیمبری

یا اینکه حق به حیدر خود داد حیدری

این شیر دختری است که شمشیر حیدر است

سر تا قدم امام حسین مکرر است

مژه اهل دل به زهرا نور عین آمد

زینب آن دخت علی أخت الحسین آمد

شد خانهات گلشن چشم و دلت روشن

یا فاطمه تبریک، یا فاطمه تبریک

یا زینب! تبریک خدمت شما عزیزان. بیخشید از اینکه وقت شما را گرفتم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ممنون و متشکرم، خدانگهدار شما باشد.

مجری:

سلامت باشید، آقای سلطانی خیلی لطف کردید. ما در اینجا یاد گرفتیم به شما چوخ ممنون بگویم که الحمدلله امشب هم در این شام میلاد زحمت مولودی خوانی بر گردن شما بود. بینندگان عزیز و همه شیعیان هم فیض بردند.

فرصت محدود هست. آقای هاشمی از قم پشت خط هستند. آقای هاشمی مختصراً مطالب خود را بفرمایید تا ان شاءالله بتوانیم پاسخگوی سؤالات باشیم.

بیننده (آقای هاشمی از قم - شیعه):

سلام عرض می‌کنم خدمت استاد عزیز و مجری گرامی. با توجه به اینکه وقت کم است، من سؤال خود را سریع می‌پرسم.

سؤال من این است که در کتاب «مسند أحمد بن حنبل» عبارتی نقل شده است که حضرت زینب دختران خود را به «حجاج بن یوسف» دادند.

بنده می‌خواستم بدانم خبثت «حجاج بن یوسف» برای حضرت زینب و شوهرشان نمایان نبود که چنین خواستگاری را قبول کردند؟! بنده می‌خواستم ببینم قضیه در آن زمان چطور بود.

مجری:

بسیار خوب، آقای هاشمی ممنون و متشکریم که تماس گرفتید. ان شاءالله سؤال شما را هم مطرح خواهیم کرد.

آیا سر بر محل کوبیدن حضرت زینب (سلام الله علیها) مجوز قمه زنی است؟!

آقای احمدی که از قم تماس گرفتند، سؤال اولشان راجع به بحث قمه زنی بود. بینندگان عزیز همگی مطلع هستند که در ایام اربعین حضرت استاد مفصلاً راجع به بحث قمه زنی و آفاتی که دارد، صحبت کردند.

حضرت استاد در خصوص نگاه کردن به این مسئله با این دید بیانات بسیار زیبایی داشتند. ان شاءالله به این مطالب مراجعه بفرمایید.

همچنین می‌توانید برنامه مورد نظر را از آرشیو سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» دانلود کنید، بسیار هم قابل استفاده است. اگر بازهم مختصراً مطلبی هست، ما در خدمت استاد هستیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با بحث قمه زنی و اینکه حضرت زینب (سلام الله علیها) سر مبارک خود را بر مهمل زدند، در بعضی از کتاب‌ها مطالبی آمده است. در کتاب «بحارالانوار» جلد 45 صفحه 114 در خصوص سند روایت آمده است:

«أَقُولُ رَأَيْتُ فِي بَعْضِ الْكُتُبِ الْمُعْتَبَرَةِ زَوْيَ مُرْسَلًا عَنْ مُسْلِمِ الْجَصَّاصِ»

در سند روایت آمده است که این روایت به صورت مرسل روایت شده است به این معنا که سند ندارد. این روایت از قول «مسلم جصاص» است که مجهول است و ما هیچ دلیلی بر وثاقت او نداریم. در روایت آمده است:

«فَنَطَحْتُ جَبِينَهَا بِمُقَدَّمِ الْمُخْمَلِ حَتَّى رَأَيْتَا الدَّمَ يَخْرُجُ مِنْ تَحْتِ قِنَاعِهَا وَ أَوْمَأَتْ إِلَيْهِ بِخُرْقَةٍ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 45،

ص 114، ح 1

همچنین «مرحوم محدث قمی» صاحب کتاب «مفاتیح الجنان» در کتاب «منتهی الآمال» جلد اول صفحه 493 این قضیه را نقل می‌کند، رد می‌کند و می‌گوید که این قضیه به هیچ وجه واقعیت ندارد و روایت ضعیف و مرسل است.

ایشان بر این عقیده هستند که از حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) مستبعد است که چنین کاری کرده باشند. اگر این قضیه برای ما ثابت شود که حضرت زینب کبری سر خود را به مهمل زدند، آن را می‌بوسیم و بر چشممان می‌گذاریم.

بنده گاهی اوقات می‌گویم که حضرت زینب کبری در نهایت شجاعت روحی بودند که آن منظره‌ها را دیدند و زنده ماندند؛ سر زدن به مهمل که هیچ!

وقتی حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) جنازه برادر بزرگوارشان را بدون سر و قطعه قطعه مشاهده کردند، خطاب به قبر مطهر رسول گرامی اسلام فرمودند:

«وَأَمْحَدَاهُ صَلَّى عَلَيْكَ مَلِيكَ السَّمَاءِ هَذَا حُسَيْنٌ مُرْمَلٌ بِالدَّمَاءِ صَرِيحٌ بِكَزْبَلَاءِ مُقَطَّعِ الْأَعْضَاءِ مَخْرُوزُ
الرَّأْسِ مِنَ الْقَفَا مَسْلُوبِ الْعِمَامَةِ وَالرِّدَا»

مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، نویسنده: ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ج 4، ص 113، فصل فی مقتله ع

واقعاً جای تعجب است که حضرت زینب کبری این مصائب را دیدند و زنده ماندند.

مجری:

حاج آقا اگر موافق باشید این دو سؤال دیگر را برای جلسه آینده بگذاریم. وقت برنامه به اتمام رسیده است و عزیزان اتاق فرمان هم اشاره می‌کنند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

هفته گذشته هم دو سه مورد از سؤالاتمان باقی ماند.

مجری:

بله، جلسه آینده به آن سؤالات هم اشاره خواهیم کرد. ما در ابتدای جلسه آینده هم سؤال آقای احمدی و هم سؤال آقای هاشمی را مطرح خواهیم کرد.

حضرت استاد خیلی تشکر می‌کنیم. الحمدلله امشب هم استفاده کردیم و بهره مند شدیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ان شاءالله موفق و مؤید باشید.

مجری:

سلامت باشید. همچنین تشکر می‌کنیم از همه شما عزیزان و بینندگان «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» و تا دیدار آینده همه شما را به خداوند می‌سپاریم.

اللهم اجعل محیانا محیا محمد و آل محمد اللهم اجعل مماننا ممان محمد و آل محمد اللهم صل علی محمد و

آل محمد

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته